

طرح کلی اسلام از منظر آیت الله خامنه‌ای*

نعمت الله کرم اللهی^۱

سید مهدی موسوی^۲

چکیده

طرح کلی دین اسلام یکی از دغدغه‌های آیت الله خامنه‌ای است و در آثار مختلف به تبیین این مهم پرداخته‌اند. ایشان بر پایه کتاب و سنت، سعی کرده است تا مهم‌ترین معارف اسلام را در ساختاری هندسی و هماهنگ طبقه‌بندی کند تا از این طریق بتواند اسلام را به عنوان طرح و مسلکی اجتماعی دارای اصولی منسجم و یک آهنگ و ناظر به زندگی جمعی انسان‌ها تبیین کند و از این طریق زمینه برای کشف نظریه اسلام برای جامعه و حکومت اسلامی و هویت‌بخشی به مسلمین فراهم شود. ایشان با استناد به قرآن کریم و سیره معصومین علیهم‌السلام، توحید را محور طرح کلی دین می‌داند که در اطراف آن شبکه‌ای از مفاهیم و معارف زندگی‌ساز در سه عرصه جهان‌بینی، انسان‌شناسی و خط مشی اجتماعی شکل می‌گیرد.

واژگان کلیدی

امام خامنه‌ای، توحید، طرح کلی اسلام.

مقدمه

شناخت اسلام به عنوان یک منظومه فکری منسجم و هماهنگ یکی از دغدغه‌های متفکران مسلمان در دو سده اخیر است. بسیاری از متفکران مسلمان در این زمینه آثار مختلفی تولید کرده‌اند و افق‌های جدیدی در عرصه اسلام‌شناسی و فلسفه دین گشوده‌اند. یکی از این

* تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۵

۱. دانشیار جامعه‌شناسی و مدیر گروه علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام (نویسنده مسئول) (N.karamollahi@gmail.com).

۲. دانشجوی دکتری فلسفه علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام (121taha@gmail.com).

متفکران پرکار در این میدان، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای است. طرح کلی اسلام از منظر آیت‌الله خامنه‌ای که برخاسته از مراجعه مکرر به قرآن کریم و بهره‌گیری از سنت اهل بیت علیهم‌السلام و عقل است، از یک چینش منظومه‌وار و پیوسته برخوردارند که بر اساس نظریه‌ای نظام‌مند تحلیل و تدوین شده است. نمونه آن را می‌توان در کتاب *طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن و روح توحید نفی عبودیت غیر خدا* جست‌وجو کرد که از مهم‌ترین محصولات فکری آیت‌الله خامنه‌ای است. ایشان در این کتاب‌ها می‌کوشد «معارف و دستگاه فکری اسلامی را از تجرد و ذهنیت محض» خارج کرده و به صورت «پیوسته» و «اجزای یک واحد» در ارتباط با «تکالیف عملی و به ویژه زندگی اجتماعی» صورت‌بندی کند. اگرچه کتاب *طرح کلی اسلام* محصول سخنرانی‌های ایشان در سال ۱۳۵۳ است اما تداوم آن را در تمام آثار و سخنان مرتبط ایشان در سال‌های اخیر می‌توان ردیابی کرد. شاهد بهتر آن که خود ایشان در سال ۱۳۸۱ فرمودند:

الآن هم اگر بخواهم در آن مقام حرف بزنم، همان حرف‌ها را می‌زنم و حرفم عوض نشده است... این سخنرانی‌ها منبع خیلی خوبی برای مچ‌گیری ماست. در آن سخنرانی‌ها راجع به توحید، امامت، ولایت، نبوت و سایر مباحث اساسی بحث شده است که الان هم آنها را تأیید می‌کنم. اینها پایه‌های فکری برای ایجاد یک نظام اسلامی بود (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۱۹).^۱

وی در این اثر کوشیده است نوعی تغییر کیفی در مباحث الاهیاتی اسلام را دنبال کند که بیش آن که انتزاعی و کلی و ارائه استدلال خشک اصول عقاید باشد تبیین و توضیحی از الاهیات در نسبت با نظام اجتماعی و زندگی انسان باشد تا الاهیات بتواند در خط مشی‌گذاری عمومی و راهبرد اجتماعی نقش‌آفرین باشد. گوینده با حفظ بنیان‌های اصیل و استدلال‌های عمیق اسلامی، موضوعات جدیدی که جهان معاصر فراروی انسان نهاده است را به استخدام گرفته و به بازخوانی و سازمان‌دهی الاهیات اسلامی جهت جامعه‌سازی اسلامی در افق جهانی و سطح بین‌المللی پرداخته است.

طرح کلی اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای را در واقع باید نوعی «فلسفه‌ی اجتماعی» و «نظریه‌ی اجتماعی» سازمان‌یافته، منسجم و منطقی دانست که دارای روح واحد و هدف مشخص است. مجموعه‌ای از گزاره‌ها، مفاهیم و سازه‌ها که با صورت‌بندی منسجم و با روش ویژه که برای

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۴/۴.

درک و تبیین واقعیت‌های اجتماعی و فهم روابط میان پدیده‌ای برای ارائه قوانین اجتماعی صورت‌بندی شده است تا به بیان چگونگی و چرایی وقایع اجتماعی و انسانی (خرد و کلان) و چگونگی و چرایی تغییر و تحول بپردازد.

آیت‌الله خامنه‌ای درصدد ارائه برنامه جامع و محکم برای حیات پایدار در جامعه امروز در نسبت با مسائل اساسی دینی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و موقعیت تاریخی حساس و سرنوشت‌ساز جوامع اسلامی است چراکه معرفت و علم نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد یک نظام اجتماعی و حرکت و انتقال و گسترش آن دارد و الا جامعه تحت یک معرفت و علم دیگری سامان می‌یابد و حرکت می‌کند. به همین جهت از منظر ایشان ارائه نظریه‌ی اجتماعی یک ضرورت در حیات انسان است و الاهیات باید بدان بپردازد.

به عقیده آیت‌الله خامنه‌ای «حکومت و نظام اجتماعی، بدون نظریه امکان ندارد که باقی بماند. اولاً به وجود بیاید و یا باقی بماند و یا رشد کند.»^۱ در واقع نظریه چند کارویژه مهم در مکاتب فکری و نظامات اجتماعی دارد: ۱. چارچوبی برای درک واقعیت‌ها و پدیده‌ها، ۲. ابزاری برای بیان حقیقت در ساختار منسجم و کل‌نگر، ۳. عامل انسجام دهنده به اندیشه و ایده‌ها ۴. راهنمای تحقیق در اندیشه‌ها و مکاتب. بدون توجه به نظریه و دستگاه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، نگرش ایشان به طرح کلی اسلام به درستی فهم نخواهد شد و با بدفهمی و تفسیرهای غلط همراه خواهد بود.

ایشان با طرح تبیین اجتماعی دین، تلاش می‌کند تا مسائل عصری را از سطح بالاتری به درستی بشناسد و برای این مسائل راه حل‌های دینی ارائه دهد. وی نه به دنبال عصری سازی دین بلکه در پی دینی سازی عصر و زمانه‌ای است که در آن قرار دارد. او دین را با روش‌های عمیق و اجتهادی می‌شناسد و ضمن حفظ خلوص و غایت آن، آن را به زبان امروزی بیان کند. به نظر ایشان جامعه اسلامی به یک حرکت نوین کلامی و الهیاتی و جریان روشن فکری اصیل اسلامی نیازمند است و این جریان باید ادامه پیدا کند و باید در یک حد متوقف نماند و باید پیش برود. به اعتقاد ایشان حقیقت تفکر اسلامی یک جریان اسلامی، آگاهانه، هوشیارانه است که باید در همین خط مستقیم، خط مرکزیت دادن به روحانیت بزرگ اسلام پیش برود و روحانی و دانشگاهی هر دو بار هم و در کنار هم بایستی کوشش کنند جریان روشن فکری

۱. بیانات در دیدار اعضای پژوهشگاه شهید صدر، ۱۳۹۵/۵/۲۵.

مذهبی را هر چه بتوانند بیشتر و بیشتر ببرند^۱ و از آسیب‌های روشن‌فکری رایج در کشور ما و کشورهای اسلامی مصون و محفوظ باشد.^۲ حرکت نوین کلامی و اندیشه نوین و مهاجم اسلامی و جریان روشن‌فکری اصیل اسلامی و حوزوی به پر مغز بودن، حرف نو داشتن، میدان‌های جدید و آفاق‌های جدید را جستن و ارائه کردن مسیرهای جدید به روی بشریت است. احیای دین به فهم صحیح و درک درست از طرح کلی دین و مقاصد و غایات آن و تفسیر آموزه‌ها براساس آن طرح دارد. و ثانیاً به شناخت زمانه و پرسش‌های بنیادین مخاطبان دارد. باید مخاطب را که انسان معاصر و جوان دردمند و دغدغه‌مند است و پرسش‌های او را در عصر جدید، پرسش‌های عقیدتی، اخلاقی، اجتماعی شناخت و همچنین می‌بایست تهاجمات فرهنگ غرب را به درستی درک و تشخیص داد و نسبت به آن مواجه فعال، عقلانی و تهاجمی داشت. او دشمنی‌ها را می‌شناسد و می‌بیند و زودتر از همه فریاد می‌زند و مردم را مسلح و بسیج می‌کند. بر الهیات اجتماعی نه ترس و انفعال و گوشه‌نشینی و پنهان شدن، بلکه تعامل سازنده و تبادل فرهنگی میان فکر و جامعه و میان افکار گوناگون و مکاتب فکری حاکم است.

قرآن و حدیث منبع الهیات اجتماعی

چنان‌که روشن شد از منظر آیت‌الله خامنه‌ای الهیات اجتماعی یکی از فوری‌ترین ضرورت‌های تفکر مذهبی است و هدف آن عبارت است از «طرح اسلام به صورت مسلکی اجتماعی و دارای اصولی منسجم و یک آهنگ و ناظر به زندگی جمعی انسان‌ها» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۳۳). روشن شد نظریه آیت‌الله خامنه‌ای یک نظریه‌ی انتزاعی محض و یک سری حدسیات بدون توجه به وضع طبیعی انسان‌ها و تاریخ و جامعه نیست. چرا که ایشان خود این روش را نقد می‌کند و می‌گوید:

در مسائل جامعه‌شناسی، اگر بدون مطالعه و از بر کسی حرف زد همین جور در می‌آید، مایه‌ی خنده و مسخره است. راجع به تفسیر تاریخ حرف می‌زنند، بدون مطالعه‌ی یک قسمت مهمی از تاریخ، راجع به مسائل پدیده‌های دین و مذهب و این چیزها حرف می‌زنند، بدون توجه به ادیان تاریخ می‌گویند (همان: ۴۱۳).

از این رو، آیت‌الله خامنه‌ای از روش‌ها و مسلک‌های عوام‌گرایانه و انتزاع‌گرایانه در تبیین واقعیت و تفسیر دین جدا می‌شود و به طرح و روشی دیگر روی می‌آورد که به اذعان ایشان

۱. سخنرانی در سومین سال فوت علی شریعتی، مسجد اعظم قم، تیرماه ۱۳۵۹.

۲. بیانات در دیدار مسئولان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۴/۶/۲۸.

برگرفته از منطق و روش قرآن کریم است.^۱

در دستگاه فکری آیت الله خامنه‌ای قرآن کریم، کتاب هدایت و برنامه زندگی انسان است و اصول صحیح کنش و الگوی جامع زندگی را برای بشر به ارمغان آورده است. به نظر ایشان قرآن گنج بی پایان و دریای عظیم و بیکران و اقیانوس بی ساحل است که هر کس از هر طرفی وارد آن شود استفاده می‌برد. قرآن انسان را روشن و آگاه می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۲۴۹).

«در استنباط و فهم اصول اسلامی، مدارک و متون اساسی دین، اصل و منبع باشد، نه سلیقه‌ها و نظرهای شخصی یا اندوخته‌های ذهن و فکر این و آن ... تا حاصل کاوش و تحقیق، به راستی «اسلامی» باشد و نه هر چیز جز آن. برای برآمدن این منظور، قرآن کامل‌ترین و مؤثق‌ترین سندی است که می‌توان به آن متکی شد که: «باطل را از هیچ سوی بدان راه نیست»^۲ و «در آن، مایه روشنگری هر چیز هست»^۳ و البته در پرتوی تدبیری ژرف پیما که خود، ما را به آن فرمان داده است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۳۷).

آیت الله خامنه‌ای با توجه به شرایط امروز جهان و انسان معاصر بر این عقیده است که قرآن می‌تواند پاسخگوی نیازهای اساسی بشر باشد.^۴ بر این اساس لازم است تا معارف قرآن کریم به صورت روشمند و با زبان گویا، علمی و روز آمده به جهانیان منتقل شود. لذا توجه به مقوله روش در فهم و تفسیر قرآن بسیار مهم است و بدون تخصص در فهم قرآن نمی‌توان معارف قرآن را استنباط کرد.^۵ بر این اساس، مشکل بزرگ جهان اسلام و مراکز حوزوی و دانشگاهی در دوری از قرآن و عدم ارتباط علمی و عمیق با آن است^۶ و به همین جهت جامعه اسلامی و هویت جمعی مسلمین دچار آسیب‌های فراوان شده است.^۷ به نظر ایشان، اگر چه امروزه در جوامع اسلامی مناسک دینی انجام می‌پذیرد اما چون روح قرآن و مفاهیم رهایی بخش آن در جامعه نیست و در عوض سلطه علمی، سیاسی و اقتصادی غرب بر جهان اسلام برقرار است هویت جمعی اسلامی وجود ندارد چرا که شخصیت و حقیقتی در مقابل حقیقت کفر و حقیقت طاغوت ندارند و به راحتی آنها در فرهنگ، باورها، اقتصاد، سیاست و در روابط اجتماعی‌شان

۱. بیانات در درس خارج فقه، ۱۳۷۲/۶/۲۱.

۲. «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» (فصلت: ۴۲).

۳. «... وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ...» (نحل: ۸۹).

۴. پیام به گردهمایی توجیهی دبیران قرآن اول دبیرستان، ۱۳۶۸/۷/۲۰.

۵. بیانات در درس خارج، ۱۳۷۴/۶/۱۴.

۶. پیام به گردهمایی توجیهی دبیران قرآن اول دبیرستان، ۱۳۶۸/۷/۲۰.

۷. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن، ۱۳۹۶/۲/۷.

دخالت می‌کنند؛ سیاست‌هایشان را در مشت می‌گیرند.^۱

آیت‌الله خامنه‌ای معتقد است که نگرش فهم‌ناپذیری قرآن مانع بزرگی بر سر راه فهم قرآن بوده است و همین عاملی بوده تا مجموع معارف مسلمین از قرآن دور شود و مفاهیم اسلامی از بار معنایی و فلسفه وجودی خود منعزل شوند. نمونه این انحراف را می‌توان در مسئله «توحید» مشاهده کرد. تفاوت بسیار زیادی میان توحید قرآنی با توحید کلامی وجود دارد و این تفاوت به جهت دور شدن از قرآن بوده است. از این رو ایشان معتقد است «یک قدری با آهنگ توحید در قرآن باید آشنا شد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۲۲۸) چرا که توحید مهمترین بحث قرآن است (همان: ۲۲۳). اگر تفسیر توحید قرآنی بر نظام فکری مسلمین حاکم بود در آن صورت امکان تبیین نظم اجتماعی و ساخت جامعه آرمانی ممکن می‌شد. به نظر آیت‌الله خامنه‌ای نظم و شکل اجتماعی برآمده از قرآن یک چیز متفاوت و مغایر با نظم جامعه غیر توحیدی است. فهم این نکته نیازمند مطالعه عمیق و مراجعه مداوم به قرآن است (همان: ۲۲۵).

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، بعد از قرآن کریم، احادیث پیامبر اسلام ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام مهم‌ترین منبع معرفتی و علمی اسلام است و پس از قرآن، بیشترین سهم را در تفسیر قرآن، بیان آموزه‌های اسلام و شکل‌گیری و بالندگی علوم اسلامی داشته است. ریشه این نگاه در مبانی اعتقادی و فلسفی و کلامی اسلام است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه معصومین علیهم‌السلام را مؤید به الهام الهی و علم الهی می‌داند و از این رو عالم به حقایق اشیاء هستند.^۲

حدیث، از یک سو کلید فهم قرآن کریم است و از سوی دیگر بیان‌کننده رهنمودهای پیشوایان اسلام و سرچشمه زلال معارف اسلامی است که انوار علم و حکمت از آن ساطع است «و خرد و اندیشه انسانی را دستگیری و راهنمایی، و زندگی بشر را برخوردار از سلوک حکیمانه و خردمندانه می‌کند. به نظر ایشان با یک نگاه دقیق به تاریخ علوم اسلامی روشن می‌شود که «حدیث، مادر بسیاری از علوم اسلامی یا همه آنهاست»^۳، ایشان هم چون صاحب‌کافی حدیث را برابر با علم دین و محور علم و ایمان اسلامی معرفی می‌کند و تأکید پیشوایان اسلام بر فراگیری، فهم، مذاکره و انتقال آن به نسل‌های بعدی را نشانگر اهمیت حدیث در شکل‌دهی به نظام عقیدتی و الگوی زندگی مسلمین می‌داند و تلاش عالمان، محدثان، حافظان و شارحان را در جمع حدیث و حمل و فهم و درک و شرح آن را یکی از بزرگ‌ترین و

۱. همان.

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۷/۱۲/۷.

۳. پیام به مناسبت تأسیس مؤسسه فرهنگی دارالحدیث در شهرستان قم، ۱۳۷۴/۸/۲۲.

طولانی‌ترین فصول تاریخ علم اسلامی بر می‌شمارد که باید بدان توجه جدی کرد.^۱ آیت‌الله خامنه‌ای، معتقد است امروز نیز معارف اسلامی و حدیث می‌تواند در زمینه تولید علم و پاسخ به نیازهای انسان معاصر و جوامع اجتماعی پاسخ مناسب و در خور بدهد: در همهٔ زمان‌ها این امکان برای متفکران آگاه، قرآن‌شناسان، حدیث‌شناسان، آشنایان با شیوهٔ استنباط از قرآن و حدیث، آشنایان با معارف اسلامی و مطالبی که در قرآن و در حدیث اسلامی و در سنت اسلامی هست، وجود دارد که اگر به نیاز زمانه آشنا باشند، سؤال زمانه را بدانند، درخواست بشریت را بدانند، می‌توانند سخن روز را از معارف اسلامی بیرون بیاورند. حرف نو همیشه وجود دارد؛ تولید فکر، تولید اندیشهٔ راهنما و راهگشا برای بشریت.^۲

ایشان با اشاره به عمق معارف *نهج البلاغه*^۳ و ادعیه امیرمؤمنان علی علیه السلام و *صحیفه سجادیه*^۴ توجه و پرداختن به احادیث اهل بیت علیهم السلام را به عنوان یک منبع بسیار معتبر و بی‌نظیر، کاملاً ضروری می‌خواندند.

در نظریه آیت‌الله خامنه‌ای، بدون توجه به احادیث نمی‌توان به فهم دقیق و همه‌جانبه‌ای نسبت به معارف اسلامی و پاسخ‌های اسلام به مسائل زندگی دست یافت. بدین جهت ایشان ورود غیرتخصصی و بدون تتبع در معارف اسلامی و روایات را غیر علمی و خطرناک می‌دانند.^۵

توحید اصل و پایه اندیشه اسلامی

به نظر آیت‌الله خامنه‌ای آن نظام فکری منسجمی که ره‌آورد قرآن و حدیث است و می‌تواند میان ابعاد مختلف حیات انسان از جمله ذهن و واقع، اندیشه و عمل وحدت و یک‌پارچگی ایجاد کند و یک‌پارچگی و وحدت را بر قلمرو هستی و زندگی فردی و اجتماعی انسان بگستراند جهان بینی توحیدی است (خامنه‌ای، بی‌تا: ۱۱). ایشان توحید را اولین شعار انبیا علیهم السلام و نخستین نغمه آنان در هدایت جامعه و رستاخیز اجتماعی می‌داند و معتقد است کل طرح اسلام برپایه مفهوم توحید استوار شده است. به اعتقاد ایشان، توحید شیوه‌ای برای عمل کردن

۱. همان.

۲. بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۳۷۹/۷/۱۴.

۳. خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۱/۱۲/۷.

۴. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۲/۴/۲۳؛ بیانات در دیدار جمعی از پاسداران، ۱۳۷۳/۱۱/۲۸ و ۱۳۷۶/۹/۱۳؛

بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۴/۷/۱۷.

۵. بیانات در درس خارج، ۱۳۷۴/۶/۱۴.

و زیستن و یک دکترین اجتماعی و طرحی از شکل محیط متناسب انسان و پیشنهاد قواره و قالبی مخصوص برای جامعه است که خطوط اصلی و اصول بنیانی آنها را بیان می‌کند و انسان را از جامعه‌های ناسازواره و بی‌قواره جاهلی و طاغوتی که بر ناآگاهی استوارند می‌رهاند و زندگی را کد انسان در اجتماع را دگرگون می‌سازد و هنجارهای جدید و نظامی متناسب برای زندگی انسان و رشد و بالندگی آن ارائه می‌دهد. در دل توحید نمادهای روانی و بنیان‌هایی اقتصادی و اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی و انسانی نهفته است. بنابراین توحید «یک نظم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نوین است» (همان: ۲۰).

ایشان در بیان معنای توحید می‌گوید:

توحید یعنی جهان دارای یک آفریننده و سازنده، و به تبری یک روح پاک و لطیف است. جهان پدید آورده‌ای دارد و همه‌ی اجزای این عالم، بندگان و بردگان و موجودات تحت اختیار آن خدا و آن پدیده آورنده محسوب می‌شوند (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۱۸۶).

بنابراین این عالم یک موجود مستقلی نیست بلکه کل آن به طور یکسان وابسته به یک قدرت بالاتر و در قبضه خداوند یکتا است.

به عقیده آیت‌الله خامنه‌ای راز و رمز موفقیت و پیشروی مسلمین نخستین در نگرش توحیدی آنان ریشه دارد. توحید بینشی تازه درباره جهان و تئوری تازه‌ای برای حرکت و تلاش زندگی بود و بدین جهت پیامبر اسلام توانست تحولی اساسی در جامعه ایجاد کند و راهی جدید جلوی پای مردم بگذارد و مردم نیز مشتاقانه و سر از پانشناخته بدان دل دهند و روی آورند و سر بسپارند چون توحید استخوان بندی نظام و محور همه روابط اجتماعی و اقتصادی و سیاسی به شمار می‌رفت (خامنه‌ای، بی تا: ۲۰). آیت‌الله خامنه‌ای گرایش به آئین زندگی خدامحور را ریشه در فطرت و سرشت انسان می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۵۹۶) از این رو خاستگاه جهان بینی و ایدئولوژی توحیدی، فطرت همگانی انسان است لذا از حقانیت برخوردار است و می‌تواند جامعه‌ای جهانی بر پایه‌های مشترک انسانی بیافریند (همان: ۳۶۴). بر همین اساس توحید در جامعه جهانی یک جبهه بندی و صف بندی جدیدی را بر محور حق به وجود آورده است (همان: ۳۹۵-۳۹۶).

«توحید، غیر از آن که یک بینش فلسفی است، یک شناخت علم‌زا و زندگی ساز نیز هست، یعنی عقیده‌ای است که بنای زندگی اجتماعی و فردی انسان‌ها باید بر پایه آن نهاده شود» (همان: ۲۳۹).

توحید فکر و اصلی برای زندگی و مربوط به نظام اجتماعی، جهت‌گیری‌های انسان‌ها در همه حال، و مربوط به کیفیت زندگی کردن جامعه‌های بشری است (همان: ۲۴۸). توحید اصل مهم عملی فردی و اجتماعی است و همه شئون زندگی باید در پرتو آن نظم و سامان یابد. به تعبیر دیگر اگر توحید را یک عقیده عمل‌خیز و تعهدانگیز بدانیم ناگزیر یک سلسله الزام‌ها و تعهدها بر دوش انسان می‌نهد. این تعهدها مخصوص زندگی فردی انسان‌ها فقط نیست بلکه تکیه بیشتر این تعهدات روی زندگی اجتماعی، نظام اجتماعی و شکل جامعه است.

«توحید وقتی در جامعه‌ای وارد شد، اول کاری که می‌کند، بنای جامعه را با شکلی که متناسب با این عقیده است انجام می‌دهد. بعد از این که این کار انجام گرفت، آن وقت نوبت می‌رسد به این که یک انسان موحد چه تکالیفی دارد به عنوان فرد» (همان: ۲۶۵).

در این نگرش، انسان موحد، انسان مسئول و متعهدی خاص نسبت به تکالیف اساسی و حقوق اساسی یک جامعه مثل حکومت، اقتصاد، روابط بین‌الملل و روابط افراد با یکدیگر است (همان: ۲۲۴). تعهد توحیدی بزرگ‌ترین و سنگین‌ترین و مؤثرترین تعهدها در میان عقاید اسلامی و دینی را بر دوش موحد می‌گذارد (همان: ۲۲۸). بنابراین ویژگی‌های جامعه توحیدی: نفی عبودیت غیرخدا و نفی برتری طبقاتی است؛ جامعه اسلامی یا جامعه توحیدی جامعه است که در آن آگاهی، نور، رشد فکری هست همه مردم یا عالمند یا متعلم «آن‌جا دیگر میدانی برای بی‌سوادها و از خود راضی‌ها و عزیزان بی‌جهت و مردمانی که مایلند انسان‌ها در ناآگاهی و خرافت بمانند» نیست (همان: ۴۳۰).

در طرف دیگر جبهه کفر و طاغوت قرار دارد (همان: ۴۹۶ و ۵۱۸) که در مسیر خلاف فطرت و طبیعت انسانی حرکت می‌کند (همان: ۵۹۶). جامعه مشرکانه که دو خدا بر آن حکومت می‌کند اولین تأثیر اجتماعی‌اش دو گروه شدن اجتماع است که یکی برخوردار از مزایا و اعتبارات بیش از حد و دیگری مستضعف و فرو دست که باید عبودیت طبقه برتر را به جا آورد. آیت‌الله خامنه‌ای با استفاده از فرهنگ قرآن کریم و تفسیر ائمه معصومین علیهم‌السلام معتقد است:

عبادت یعنی تبعیت و اطاعت کردن بی‌قید و شرط. اطاعت هر کسی، هر انسانی، هر جامعه‌ای به صورت مستقل و بی‌قید و شرط و فرمانبرداری از آن در جسم و جان و یا زندگی و عمل خود عبادت او محسوب می‌شود (همان: ۲۴۵).

آیت‌الله خامنه‌ای راه خروج از این عبودیت و بندگی انسان‌ها، جوامع، تمدن‌ها و طاغوت‌ها

را در توحید جست‌وجو می‌کند^۱ چرا که همه‌ی قدرت‌ها و عظمت‌ها و مُکنت‌ها و ثروت‌ها و دانش‌ها و بصیرت‌ها را از خدا و متعلق به خدا می‌داند و به اتکاء خدا و با اتصال و ارتباط دادن خود به خدا، همه‌ی عظمت‌های دیگر در نظر او کوچک می‌شود؛ یعنی ناگهان انسانی که در چشم خودش مظهر ضعف و عجز و حقارت و ناتوانی بود، با ایجاد رابطه بین خود و خدا، تبدیل می‌شود به یک عظمت. می‌بیند بنده‌ی خداست، خدائی که تمام عظمت‌ها و قدرت‌ها متعلق به اوست، پس خودش را به منبع قدرت و عظمت و مکنت و ثروت متصل می‌بیند. از این رو آن احساس حقارت از آدمی که بنده‌ی خداست به کلی گرفته می‌شود.^۲

آیت‌الله خامنه‌ای مشکل جهان اسلام را غفلت و انحراف از توحید قرآنی می‌داند و معتقد است که جهان بینی توحیدی به تدریج برآمده از قرآن کم رنگ شد و فقط فرضیه‌ای ذهنی تلقی شد و از دینامیسم و حرکت بخشی آن غفلت شد و ماهیت خود را به عنوان یک مکتب زندگی ساز و دعوت انقلابی از دست داد و از قدرت‌آفرینی و نیروبخشی و زندگی‌سازی و نقش فعال در زندگی و به ویژه در زندگی اجتماعی آن کاسته شد. ایشان فروکاستن توحید به صرف قضاوتی درباره‌ی ماوراء الطبیعه و تزی اخلاقی و عرفانی را مخدوش می‌داند و معتقد است این تفسیر و نظریه از اسلام بیش از یک جسم لطیفی از آن نخواهد بود و نمی‌تواند پیکره عظیم زندگی ساز اسلام را به عنوان یک مسلک اجتماعی به دوش بکشد. بلکه صاحبان این نظریه، محافظه‌کاری و سازگاری با هر وضع و جوّ غیر توحیدی را پیشنهاد می‌کنند. بنابراین ریشه عقب‌ماندگی جوامع اسلامی از کاروان پیشرفت و تعالی، تحریف معنای توحید و اکتفا به یک برداشت عقلی و صرفاً ذهنی است (خامنه‌ای، بی تا: ۴).

طرح کلی دین بر محور توحید

با توجه به این نگرش به مفهوم محوری توحید و جایگاه آن در حرکت انبیاء الهی، آیت‌الله خامنه‌ای همه معارف اسلامی و طرح کلی دین را بر سامان توحید استوار می‌داند و معتقد است که همه معارف و مفاهیم دین و آرمان‌های اصیل انسانی در توحید نهفته است. بدین جهات، تفصیل و تحلیل توحید، سازنده باقی معارف دین است که در اصل توحید مندمج است. بنابراین، در نظر ایشان، طرح کلی دین و معارف اسلامی را باید در نسبت با مفهوم متعالی و جهت‌دهنده توحید بازطراحی و فهم کرد.

۱. بیانات در تفسیر سوره ملک (آیات ۱ و ۲)، ۱۳۶۳/۸/۱۸.

۲. همان.

براین اساس، ایشان از تحلیل توحید و اعتقاد به آن مجموعه از اصول و قواعد بنیانی را استخراج می‌کند که مستند به تاریخ نهضت انبیا علیهم‌السلام و بخصوص نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است و آیات متعدد قرآن را نیز به عنوان شواهد و حیانی بحث خود ارائه می‌دهند. بنابراین توحید، در نگرش به هستی، انسان و بسیار نقش‌آفرین است.

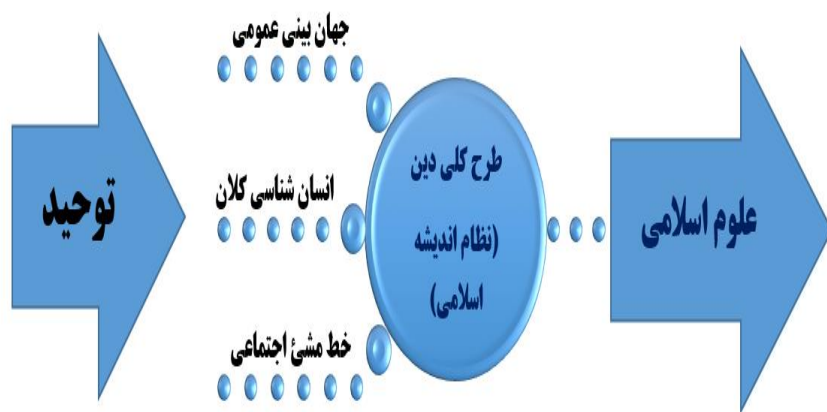
«توحیدی که اسلام به آن دعوت می‌کند، توحید نیست بالاتر از حد یک پاسخ به یک سؤال، به یک استفهام. [...] توحید اسلامی الهامیست در زمینه حکومت، در زمینه روابط اجتماعی، در زمینه سیر جامعه، در زمینه هدف‌های جامعه، در زمینه تکالیف مرد، در زمینه مسئولیت‌هایی که انسان‌ها در مقابل خدا، در مقابل یکدیگر، در مقابل جامعه و در مقابل پدیده‌های دیگر عالم دارا هستند. توحید این است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۲۰۹).

بر همین اساس آیت‌الله خامنه‌ای در کتاب *روح توحید نفی عبودیت غیر خدا* معارف کلی اسلام را در سه بخش: ۱. هستی‌شناسی و ارائه یک جهان بینی عمومی؛ ۲. انسان‌شناسی و قضاوت درباره انسان؛ ۳. خط مشی‌گذاری اجتماعی (اقتصادی، سیاسی...) بر پایه توحید ارائه می‌دهد.



در تحلیل این تقسیم‌بندی می‌توان گفت، توحید در درجه اول یک جهان بینی عمومی است و نگرش خاص را به هستی و جهان تبیین می‌کند که مبتنی بر نگاه «آفرینش» و «خلقت» و نفی «الحاد» و «شُرک» است. پس از آن نوعی انسان‌شناسی توحیدی را ارائه می‌دهد که حقیقت و ماهیت انسان را در نسبت به خداوند متعال، نظام هستی و سیر حرکت موجودات

تبيين می‌کند. در این طرح، انسان، عضوی از نظام هستی و در مسیر حرکت و تکامل است اما انسان چون از نعمت گاهی، اختیار و آزادی برخوردار است، خود مسیر زندگی و حرکت را انتخاب می‌کند. بر این مبنا، اسلام خطوط کلی و اصول خطی مشی اجتماعی را به انسان معرفی می‌کند خطوط و قواعدی که در همه ابعاد و سطوح زندگی انسان تأثیرگذار و جهت‌دهنده و نظم‌بخش است. البته پس از این مرحله، راه برای دانش‌های اسلامی همچون فقه و اخلاق باز می‌شود و زمینه‌های کلان مکتبی و طرح کلی دین فراهم می‌شود تا با روش اجتهادی و استنباط از ادله معتبر دینی یعنی قرآن، سنت و عقل به تبیین و تجویز جزئیات و فروع احکام و برنامه عملیاتی زندگی بپردازند.



الف) جهان بینی عمومی توحیدی

۱. وحدت و يك‌پارچگی همه‌ی جهان و خویشاوندی تمام اجزای و عناصر آن
این اصل توحیدی را آیت‌الله خامنه‌ای با استناد به این آیات قرآن استنباط می‌کند:

﴿مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَٰنِ مِن تَفَٰوُتٍ﴾ (ملک: ۳)؛

در آفرینش خدای رحمان هیچ ناهماهنگی نمی‌بینی.

أَوْ لَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَّا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى (روم: ۸)؛

آیا در خویشتن (یا با خویشتن) نمی‌اندیشند؟ خدا آسمان‌ها و زمین را جز بر نظام و روال حق و با سرآمدی مشخص نیافریده است.

ایشان در توضیح می‌نویسد چون براساس توحید سلسله‌جنبان آفرینش یکی است و همگان از يك مبداء و منشاء خلق شده‌اند و خدایان و آفرینندگان مختلف دست اندر کار آفرینش و گردش جهان و موجودات نبوده‌اند پس این همه اجزاء يك مجموعه‌اند و کل جهان يك واحد حقیقی و دارای جهت‌گیری واحد است. بنابراین:

جهان پویا، کاروانی است که همه راهروان آن همانند حلقه‌های زنجیر به هم متصل‌اند و هم‌چون اجزاء ریز و درشت يك دستگاه برای هم و در جهت واحد در کار و تلاش‌اند هر چیز با ملاحظه موضعش در کل این ارگانیسم است که معنی واقعی خود را می‌دهد و وظیفه‌اش روشن می‌شود پس همه در این سیر تکامل پوی، کمک‌کار و تکمیل‌کننده دیگرانند و هر يك ابزار لازمی است در این مجموعه هر گونه توقف و تباهی و رکود و انحراف در هر يك از این اجزاء، موجب‌کندی و ناهنجاری و انحراف جهت همه دستگاه است و بدین‌گونه، پیوندی معنوی و عمیق، همه این ذرات را به یکدیگر متصل می‌سازد.

۲. هدفداری آفرینش و حساب‌شدگی و انضباط محاسبه‌شده‌ی جهان و وجود معنا و روح در فرد فرد اجزای آن

آیت‌الله خامنه‌ای با استناد به آیه قرآن کریم:

﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِينَ﴾ (انبیاء: ۱۶)

آسمان و زمین و هر آن‌چه را میانه‌ی آن دو است به بازیچه و بی‌هدف نیافریدیم.

معتقد است چون جهان آفرینش دارای آفریننده و پدید آورنده‌ای حکیم است پس ناگزیر در اصل وجود آن نیز حکمتی است و برای آن غایت و جهت و هدفی مشخص وجود دارد همان‌طور که در بسیاری از اجزای آن محسوس و مشهود است. بنابراین:

مجموعه جهان با این دید دیگر يك سرگردان هرزه‌پوی نیست. ماشینی است که ساخته و برای مقصودی به کارش انداخته‌اند. می‌توان از چيستایی آن مقصود پرسید؛ اما از اصل آن نه. يك شعر با مضمون است که باید تأمل و تدبر کرد تا مضمون آن را دریافت اما هرگز آن را آوایی برآمده از يك حرکت تصادفی نمی‌توان دانست.

۳. سر به‌فرمانی همه‌ی اشیاء و عناصر عالم در برابر خدا

آیت‌الله خامنه‌ای سومین اصل برآمده توحید را این می‌داند که در نظام آفرینش هیچ چیز و

هیچ قانون در خودش و خود رأی نیست. هم چنان که آیات قرآن کریم بر این مدعا گواه است:

﴿إِن كُنتُمْ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِي الرَّحْمَانِ عَبْدًا﴾ (مریم: ۹۳)؛

هر آن کس که در آسمان ها و زمین است جز سر بر خط عبودیت خدا نهاده ای نیست.

﴿بَل لَّهُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَّهُ قَانِتُونَ﴾ (بقره: ۱۱۶)؛

بل از آن اوست هر آن چه در آسمان ها و زمین است همه فرمان بر و تسلیم اویند.

﴿وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ

بِيَمِينِهِ سُجَّانَةٌ وَتَعَلَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ (زمر: ۶۷)؛

خدا را چنان که درخور اوست برآورد نکرده اند زمین يك سره در قبضه ی قدرت اوست
بروز رستاخیز و آسمان ها پیچیده شده ی دست اویند منز و والاتر است از آن چه
شریک او می سازند.

بنابراین:

قوانین گیتی و هر آن چه در شعاع و به هدایت این قوانین به تکاپوست سر در خط و
گوش بفرمان و بنده خداست. پس وجود قوانین تکوینی و طبیعی در سراسر این پهنه،
مستلزم و به معنای نفی حضور خدا و نفی ربوبیت و سر رشته داری او نیست.

ب) انسان شناسی کلان توحیدی

۱. وحدت و یکسانی انسان ها در رابطه با خدا

﴿وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحٰنَهُ بَل لَّهُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَّهُ قَانِتُونَ﴾ (بقره: ۱۱۶)؛

گفتند خدا فرزند گرفته است والا و منزه است از آن چه گویند بل همه چیز در آسمان و
زمین از آن اوست همگان فرمان بر و تسلیم اویند.

﴿فَن يَّعْمَلُ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ﴾ (انبیاء: ۹۴)؛

پس هر کس به کارهای شایسته بپردازد در حالی که مؤمن است کوشش او به ناسپاسی
گرفته نمی شود و ما آن را ثبت می کنیم.

﴿يٰٓأَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ

عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ (حجرات: ۱۳)؛

الای انسان ها ما همه ی شما را از مردی و زنی آفریده ایم و تیره ها و قبیله ها را برای
هم شناختی پدید آوردیم در معیار خدا گرامی ترین شما با تقواترینتان است.

آیت الله خامنه ای از این آیات قرآن کریم نتیجه می گیرد که خداوند متعال خداوندگار و رب

همه انسان‌ها است و هیچ‌کس از نقطه نظر طبیعت انسانی‌اش، با او ارتباط ویژه و اختصاصی ندارد و با او خویشاوندی ندارد. خداوند متعال خدای ملت یا قوم و قبیله خاص نیست که دیگران را به طفیل آنها و برای آنها و هم‌چون وسیله‌ای برای سروری آنها آفریده باشد و روزی دهد. بلکه همگان در برابر او یکسانند و اگر تمایزی در پیشگاه خدا هست از سوی کوششی است که هر کسی می‌تواند در راه و در جهت خیر و صلاح انسان‌ها و عمل به برنامه‌های خدایی که تنها ضمانت اطمینان بخش برای تعالی انسان است مبذول کند و مجاهدت و تلاش بیشتری به کار بندد.

۲. وحدت و برابری انسان‌ها در آفرینش و مایه‌های انسانی

از دیگر اصول انسان‌شناسی برآمده از جهان‌بینی توحیدی این است که انسانیت عنصر واحدی است که در همه‌ی افراد و مصادیق نوع انسان، به طور برابر ساری و جاری است. انسان‌های وابسته به طبقات مختلف اجتماعی بنده و آفریده‌ی خدایان گوناگون نیستند تا مایه‌های آفرینش آنان نیز متفاوت باشد و در نتیجه میان آنان مرزی غیرقابل عبور وجود داشته باشد. هم‌چنین باید دانست که خدای طبقات بالا خدایی نیرومندتر و والاتر از خدای طبقات فرودست نیست بلکه همه انسان‌ها آفریده‌ی یک خدایند و همه در گوهر اصلی در یک طراز هستند هم‌چنان که قرآن کریم این مدعا را به صراحت بیان کرده است:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ﴾ (نساء: ۱)؛

الای انسان‌ها پروا مکنید از خدای تان که همه شما را از یک تن آفرید.

۳. یکسانی و برابری انسان‌ها در امکان تعالی و تکامل

آیت‌الله خامنه‌ای با استفاده از اصول پیشین انسان‌شناسی هم‌چون یکسانی گوهر و سرشت انسانی در همه و حکیمانه بودن گوهر و سرشت انسانی، اصل دیگری را بیان می‌کند و آن عبارت است از این که هیچ‌کس نیست که در ذات و سرشت از پیمودن صراط مستقیم تعالی و تکامل ناتوان باشد بر همین اساس دعوت خدا دعوتی عام است و ویژه‌ی کسانی خاص یا ملتی و یا طبقه‌ای ویژه نیست. در قرآن کریم آیات متعددی بر این مطلب شهادت می‌دهند:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ﴾ (سباء: ۲۸)؛

ما تو را جز برای انسان‌ها به طور عموم و نه برای جمعی خاص نفرستادیم.

﴿وَأَرْسَلْنَاكَ لِّلنَّاسِ رَسُولًا﴾ (نساء: ۷۹)؛

تو را بر رسالت برای همه‌ی انسان‌ها فرستادیم.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا * فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا﴾
(نساء: ۱۷۴-۱۷۵)؛

الای انسان‌ها! اینک از سوی پروردگارتان رهنمونی روشن‌گر و فروغی نمایان فراسوی شما آمده پس آنان که به خدا ایمان آوردند و با تکیه به او، خود را (از سرگردانی و گمراهی) نگاه دارند، خدا آنان را به (شهر بند) رحمت و افزون‌بخشی خود در می‌آورد و به راهی استوار می‌کشاند.

البته آیت‌الله خامنه‌ای متذکر می‌شود که شرایط گوناگون، تاثیرهای سازنده گوناگون را در زندگی انسان داراست، اما تاثیر این شرایط، زوال‌پذیر است و هیچ‌گاه نتوانسته است که از انسان به طور ثابت اهریمنی بسازد و یا فرشته‌ای دست‌بسته و بی‌اختیار بسازد و آزادی را از او سلب کند و راه دگرگونی و انتخاب را بر او ببندد.

۴. آزادی همه‌ی انسان‌ها از قید اسارت و عبودیت غیرخدا و لزوم عبودیت خدا

از اصول انسان‌شناسی اسلام این است که انسان فقط بنده خدا است و او از بندگی و اسارت هر کس یا هر نظامی و به طور کلی هر عامل مسلط دیگری که در برابر خدا و رقیب و «ند» او باشد آزاد است. در واقع جهان بینی توحیدی، در معنا پذیرش سلطه خدا و قهرآرد و نفی هر سلطه غیر خدایی از هر رنگ و هر نوع و در هر لباس است. در قرآن کریم هم آمده است:

﴿إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَیْمُ﴾ (یوسف: ۴۰)؛

حاکمیت فقط از آن خداست فرمان داده است که کسی جز او را عبادت نکنید این است آئین استوار.

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ﴾ (اسراء: ۲۳)؛

پروردگار و صاحب اختیار تو فرمان داده است که کسی جز او را عبودیت نکنید.

به اعتقاد آیت‌الله خامنه‌ای انسان‌ها هر گونه مقهور سرپنجه تسلیم و اسارت غیر خدایند باشند تحت اسارت فکری و فرهنگی، اسارت اقتصادی، اسارت سیاسی قرار گرفته‌اند و با توجه به مفهوم گسترده عبادت، در چنبر بردگی و عبودیت انسان‌هایی همانند خود گرفتار آمده‌اند و برای خدا کفو و رقیب گرفته‌اند. در حالی که در طرح کلی دین و حقیقت توحید این شیوه‌ی زندگی را نفی می‌شود و همگان به آزادی از انواع اسارت‌ها و انحصار عبودیت نسبت به خداوند متعال دعوت می‌شوند.

۵. تکریم و ارزش دادن به انسان

از اصول انسان‌شناسی بنیادین در طرح کلی اسلام، اعتقاد به کرامت انسان و ارزش مندی او است. در نگرش توحیدی اسلام، انسان حامل عنصری فاخر و ارجمند است که بسی ارزنده‌تر از آن است که اسیر و مقهور و ذلیل در برابر هر کسی به جز خدا باشد. تنها خداوند که هستی مطلق و کمال زیبایی مطلق است را می‌شاید که انسان شیفته و ستایش‌گر و نیایش‌گر او شود. ایشان معتقد است که این والاگرایی ریشه در والایی دارد و در واقع خود مرتبه‌ای از والایی است و براساس آن غیر از ذات خداوند متعال هیچ‌کس و هیچ چیز در رتبتی نیست که انسان را بنده و ستایش‌گر خود سازد:

همه بت‌های جامد و جان‌داری که خود را بر مغز و دل و تن انسان تحمیل کرده و قلمرو خدا را در پهنه زندگی انسان غاصبانه به تصرف در آورده‌اند. پلیدی‌ها و پلیدهایی هستند که آدمی را از طهارت و صفای فطری‌اش ساقط کرده و بدو خفت و ذلت داده‌اند و انسان برای آن‌که رتبه والایی خود را باز یابد، باید از آنها روی بگرداند و ننگ آلودگی به عبودیت آنان را از خود بزداید.

آیت‌الله خامنه‌ای معتقد است که این کرامت و ارزش مندی انسان برآمده از طرح کلی اسلام و محوریت اندیشه توحید است و هیچ بینش انسان‌گرای مادی نتوانسته و نمی‌تواند برتری و گزیدگی و اصالت انسان را با این ظرافت و عمق مطرح سازد. ایشان برای اثبات این مدعا بر برخی از آیات قرآن کریم استناد می‌کند که عبارتند از:

﴿فَاجْتَبِئُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَبِئُوا قَوْلَ الزُّورِ * حُنْفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخَطَّفَهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوَى بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ﴾
(حج: ۳۰ - ۳۱)؛

از بت‌های پلید دوری گزینید و از گفتار ناروا* پیرایشگران (قلمرو هستی خود) از غیر خدا باشید و در این حریم خدایی، کسی را شریک او مسازید آن‌کس که برای خدا شریک گیرد چنانست که گویی از آسمان ساقط شده باشد و مرغ (لاشه خوار) او را در رباید یا باد پیکر او را به نقطه‌ای دور دست پرتاب کند.

﴿لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَّخْذُولًا﴾ (اسراء: ۲۲)؛

با خدا معبود دیگری مگیر که نکوهیده و بی‌پناه فرو نشینی (و از پویش انسانی خود باز مانی).

﴿وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُلْقَى فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا﴾ (اسراء: ۳۹)؛

با خدا معبود دیگری مگیر، که سرافکننده و مطرود، به دوزخ درافتی.

۶. یکپارچگی و وحدت قلمرو زندگی و هستی انسان

آیت الله خامنه‌ای در طرح کلی دین به نفی دوگانه‌های کاذب و خودساخته اشاره می‌کند و معتقد است زندگی انسان ترکیبی از ذهن و واقعیت، و از اندیشه و عمل است. دوگانگی زمانی رخ می‌دهد که یکی از این دو، یا بخشی از هر یک، محکوم قطب‌ها و قدرتهای ضد خدایی شود، یعنی ذهن خداگرای با واقعیتی غیر خدایی یا واقعیت خداپسند با ذهنیتی خداشناس توأم گردد. در این صورت در قلمرو زندگی انسان دوگانگی رخ می‌دهد و در عبودیت خدا و در ساختار ذهنی و رفتاری انسان شرك پدید می‌آید. در این صورت انسان از ثبات و استحکام شخصیت برخوردار نخواهد بود و هم‌چون عقربه‌ای است که در طیف مغناطیسی عنصر بیگانه‌ای قرار گرفته و اگر یک باره روی از قطب و جهت طبیعی بر نگردانیده باشد باری دچار نوسان و سرگشتگی است. و این همان انحراف از جهت درست و صراط مستقیم سرشت انسانی از جهت خدا است. قرآن کریم به این دوگانگی‌ها و تجزیه‌نگری‌ها این‌گونه اشاره کرده است:

﴿أَفْتَوْمِنُونَ بِنِعْمِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضِ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَرُدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ (بقره: ۸۵)؛

آیا به بخشی از کتاب (مجموعه شناخت‌ها و مقررات دین) می‌گروید و به بخشی دیگر کفر می‌آورید، سزای آنان که چنین شیوه‌ای را می‌گزینند چیزی جز خواری و زبونی در دنیا نیست و روز رستاخیز به سهمگین‌ترین عقوبت‌ها بازگردانیده می‌شوند.

۷. هماهنگی و همگامی انسان با جهان پیرامونش

آیت الله خامنه‌ای با بیان ادیبانه می‌نویسد:

پهنه تا بیکران گسترده گیتی، میدان فعل و انفعال قوانین بی‌شمار آفرینش است و کوچک‌ترین پدیده گیتی، از شعاع عمل این قوانین بیرون نیست. با هم‌نوازی و التقای سنت‌ها و قوانین آفرینش است که آهنگ موزون هستی شکل می‌گیرد و نظم دل‌نشین جهان پدید می‌آید. انسان نیز جزئی از این مجموعه است و محکوم قوانین عام آن و نیز قوانینی ویژه و با این حال متناسب و هم‌ساز با قوانین پدیده‌های دیگر... اما انسان بر خلاف دیگر خویشاوندانش - که رام و دست بسته در گذرگاه طبیعی و فطری خویش به راهند - از نیروی انتخاب و اراده برخوردار است: راه فطری و طبیعی را باید به انتخاب ببیماید، که همین راز تعالی و ترقی اوست. این بدان معنی

است که می‌تواند نیز، از این روند طبیعی تخلف ورزد.

﴿فَن شَاءَ فَلْيُؤْمِنِ وَ مَن شَاءَ فَلْيُكْفُرْ﴾ (کهف: ۲۹)؛

هر که خواهد گو ایمان آور و هر که خواهد گو کفر ورز!

در جهان بینی توحیدی، انسان به پیمودن راه طبیعی و فطری اش دعوت می‌شود که در آن با همه جهان همگام است، در این طرح، انسان را که خود عضو اصلی جهان است در عمل و تلاش به جهان پیوند می‌زند و در پهنه‌ی وجود وحدت و یکسانی مطلق پدید می‌آورد.

﴿أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾ (آل عمران: ۸۳)؛

آیا جز آئین خدا چیزی می‌طلبند؟ و حال آن‌که همه آنان که در آسمان و زمینند از سر رغبت یا کراهت تسلیم خدایند و بسوی او بازگردانیده می‌شوند.

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَن فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَ النُّجُومُ وَ الْجِبَالُ وَ الشَّجَرُ وَ الدَّوَابُّ وَ كَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ﴾ (حج: ۱۸)؛

آیا نمی‌بینی که خدای را سجده می‌برند همه کسانی که در آسمان‌ها و در زمینند و خورشید و ماه و اختران و کوه‌ها و گیاه‌ها و چهارپایان و بسیاری از آدمیان.

ج) خط مشی اجتماعی (اقتصادی، سیاسی، ...)

۱. سلب صلاحیت از هر کسی جز خدا در هر گونه طراحی و کارگردانی مستقل و خودسرانه در امور جهان و انسان

آیت‌الله خامنه‌ای معتقد است که فقط خداوند است که می‌تواند شیوه زندگی و برنامه ارتباطات انسان را که همان خط مشی حرکت وی در چرخ و بر این نظام تکوین است، طرح‌ریزی کند و سیستم قانونی زندگی و قواره و نظام اجتماعی او را ترسیم نماید. چون خداوند متعال آفریننده انسان و گیتی و طراح نظام پیوسته آن است و به امکانات و نیازها نیز هم‌اوقاف است، ذخایر و استعدادها و انرژی‌های نهفته در جسم و جان آدمی را و نیز گنجینه‌ها و قابلیت‌های بی‌شمار پهنه گیتی را و میزان کاربرد و مورد مصرف و چگونگی التقاء این همه را او می‌داند و به نیکی می‌شناسد. به نظر ایشان اختصاص این حق به خدا، نتیجه طبیعی و منطقی آفریدگاری و خداوندی اوست پس هر گونه دخالتی از سوی دیگران در تعیین مسیر و خط مشی عملی انسان‌ها دست‌اندازی به قلمرو خدایی و ادعای الوهیت و موجب شرک است.

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يَحْكُمُونَكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا

قَضَيْتَ وَيَسْأَلُونَ تَسْلِيمًا» (نساء: ۶۵):

نه! به پروردگارت سوگند به مرز ایمان در نیابند مگر آنگاه که تو را در جریانات خلاف انگیز زندگی، حکمیت بخشند و آن گاه از آن چه تو فرمان دهی غباری بر دل نگیرند و رام و تسلیم باشند.

«وَمَا كَانَ لِإِيْمَانٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا» (احزاب: ۳۶):

هیچ مرد و زن مسلمانی را حق آن نیست که چون خدا و پیامبرش به چیزی فرمان دادند در کار خویش اختیار داشته باشند و هر آن که خدا و پیامبرش را نافرمانی کند بیگمان به ضلالتی آشکار دچار گردیده است.

۲. نفی حق ولایت و سرپرستی جامعه و زمامداری زندگی انسان از هر کسی به جز خدا

در طرح کلی دین از منظر آیت الله خامنه‌ای حق ولایت از آن خداست و حکومت و ولایت انسان بر انسان اگر به دیده يك حق مستقل و بدون مسئولیت نگریده شود مستلزم ستم و طغیان و تعدی است. تنها در صورتی که زمام داری و سرپرستی امور جامعه از سوی قدرتی فراتر به فرد یا هیئت حاکم سپرده شده باشد و با مسئولیت‌های متناسب توأم باشد امکان پیراستگی آن از کژی‌ها و سرکشی‌ها و زیاده‌روی‌ها هست. این قدرت فراتر در طرح کلی اسلام، الله است که احاطه و گسترش آگاهی‌اش بسیار گسترده و شامل است. هم‌چنان که قرآن کریم می‌فرماید:

«لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ» (سبأ: ۳).

و صفات جلال و قهر نغمتمش (شدید العِقَاب - عزیز ذُوانتقام...) مجالی برای انحراف برگزیدگان و منصوبانش باقی نمی‌گذارد.

«وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ * لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ * ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ» (حاقه: ۴۴-۴۶) هم‌چون «ملت» و «اکثریت» نیست که بتوان اغفالش کرد و سوارش شد و هم‌چون حزب نیست که بتوان وسیله زورگویی و اختناقش ساخت و هم‌چون برگزیدگان و سران و اشراف نیست که بتوان خریدشان یا شریکشان کرد.

بر این اساس سامان زندگی انسان مستلزم آن است که همه سازمان‌های زندگی به نقطه واحدی منتهی شود و سر رشته کارها در دست قدرت مسلطی باشد و این دست جز دست قدرت مند آفریدگار گیتی و پدید آورنده انسان نخواهد بود. بنابراین حکومت و زمام داری انسان حق ویژه خداست که به وسیله منصوبان خدا آنان که با معیارها و الگوهای تعیین شده در ایدئولوژی الهی از همه کس منطبق‌ترند به مرحله تحقق در می‌آید و به وسیله آنان نظام الهی

پاسداری و مقررات الهی اجرا می‌گردد.

﴿قُلْ أَعْيَرَ اللَّهُ اتَّخَذُ وَلِيًّا فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يَطْعَمُ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ (انعام: ۱۴)؛

بگو آیا به جز خدا که آفریننده آسمان‌ها و زمین است و روزی می‌دهد و خود روزی از کسی نمی‌ستاند کسی را به ولایت و زمام‌داری برگزینیم؟ بگو به من فرمان داده شده است که نخستین تسلیم شده‌ی حکم خدا باشم و زنه‌ار از مشرکان مباشید.

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ (مائده: ۵۵)؛

ولی و زمام‌دار شما (جامعه‌ی مسلمان) فقط خداست و پیامبرش و مؤمنانی که نماز را بپا می‌دارند و در آن حال که به رکوعند، زکات می‌دهند.

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ * مَلِكِ النَّاسِ * إِلَهِ النَّاسِ﴾ (ناس: ۱-۳)

بگو پناهنده می‌شوم به خداوندگار مردم * زمامدار مردم * معبود مردم.

۳. اختصاص مالکیت مطلق و اصیل همه نعم و ذخایر و موجودی‌های جهان به خدا

از اصول و قواعد حاکمه اسلام این است که هیچ‌کس هیچ چیز را رأساً و مستقلاً مالک و صاحب اختیار نیست. همه چیز امانتی است در دست انسان، برای بهره‌مندی و یاری گرفتن از آن در راه تکامل و تعالی. چنان نیست که انسان دارنده بتواند نعیم این جهان را که دست‌آورد تلاش هزاران پدیده و عنصر این جهان است تباہ و نابود سازد یا بی‌استفاده و مهممل بگذارد یا در راهی به جز تعالی انسان به کار برد. آن چه در دست انسان است اگرچه برای اوست ولی داده و بخشوده خداست پس باید در راهی به کار رود که خدا معین کرده است و در واقع در راه طبیعی و اصلی‌اش در راهی که برای آن آفریده شده است صرف آن و بهره‌جویی از آن در هر جهت دیگر منحرف کردن آن است از جهت طبیعی‌اش (فساد) نقش انسان در این بارانداز نعمت‌های رنگارنگ خدا به کار گرفتن و بهره بردن درست آن است و قبلاً البته زنده کردن و به کمال رساندنش.

﴿قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ * سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ﴾ (مؤمنون: ۸۶ - ۸۷)؛

بگو زمین و هر آنکه در آن است از آن کیست اگر آگاهید؟ خواهند گفت: از آن خدا بگو پس چرا به خود نمی‌آیید؟

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا﴾ (بقره: ۲۹)؛

اوست آن که هر آنچه را در زمین است برای شما انسان‌ها آفرید.

﴿اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهِ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾ (هود: ۶۱)؛

خدا را عبودیت کنید که شما را به جز او معبودی نیست او شما را از زمین بیافرید و در آن به آبادگری برگماشت.

﴿وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ اللَّعَنَةُ﴾ (رعد: ۲۵)؛

و آنان که پیمان خدا را پس از بستن می‌شکنند و پیوندی را که خدا بدان فرمان داده است می‌گسلند و در زمین تباهی پدید می‌آورند طرد و لعن (خدا) نصیب آنان است.

۴. حق برابر انسان‌ها در رابطه با بهره‌گیری از نعمت‌های جهان

در طرح کلی اسلام، به خوبی تبیین شده است که امکانات و فرصت‌ها به طور مساوی در اختیار و از آن همگان است تا از این بساط گسترده هر کس به قدر نیاز و در شعاع سعی و عمل خود بهره‌گیری. در این پهنه بیکرانه هیچ منطقه اختصاصی و محصور وجود ندارد. همگان می‌توانند همت و اراده‌ی خود را در دست‌یابی به گونه‌گون بهره‌این جهان بیازمایند. این فرصت ویژه هیچ تیره نژادی، جغرافیایی، تاریخی و حتی ایدئولوژیکی نیست.

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا﴾ (بقره: ۲۹)؛

اوست آن که همه‌ی موجودی زمین را برای شما (انسان‌ها و نه دسته و تیره‌ای خاص) آفرید.

و جملات:

﴿وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ﴾ (نحل: ۵) «و چهارپایان را برای شما آفرید»، ﴿وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ﴾ (نحل: ۶) «و در آنها برای شما زیبایی است»، ﴿وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ﴾ (نحل: ۷) «و بارهای شما را می‌برند»، ﴿أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ﴾ (نحل: ۱۰) «از آسمان آبی برای شما فرو فرستاد»، ﴿يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ﴾ (نحل: ۱۱) «به وسیله آن کشت برای شما می‌رویانند»، ﴿مَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ﴾ (نحل: ۱۳) «و آنچه را در زمین برای شما پدید آورد»، ﴿لِتَرْكَبُنَّهَا﴾ (نحل: ۸) «تا بر آنها سوار شوید» و ﴿لِتَأْكُلُوا مِنْهُ﴾ (نحل: ۱۴) «تا از آن بخورید».

در آیات به هم پیوسته آغاز سوره نحل که در همه خطاب به انسان‌هاست و نه به تیره و طائفه‌ای خاص چنان که در این آیه فرموده است:

﴿وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ﴾ (نحل: ۹) «و اگر می‌خواست مسلماً همه شما را هدایت می‌کرد» و

﴿إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ﴾ (نحل: ۲۲) «معبود شما، معبودی یگانه است».

نتیجه‌گیری

آیت‌الله خامنه‌ای را می‌توان یک «فیلسوف اجتماعی» و یا «الاهی‌دان اجتماعی» دانست. ایشان در پروژه فکری خود بیش از هر مسئله‌ای درصدد ارائه دریافت و برداشتی از عالم، جهان و جهانیان است که در سازندگی زندگی (خامنه‌ای، ۱۳۹۵: ۱۸۷) و شناخت نظریه‌های اجتماعی و سیاسی اسلام و طرح‌های عملی برای جامعه (همان: ۱۹۱) و هویت بخشی به جوامع اسلامی (همان: ۱۹۷) مفید باشد هم‌چنان که هدف و رسالت اصیل دین اسلام همین می‌باشد. ایشان به دنبال بحث از جهان بینی به عنوان «بینش فلسفی و زیربنایی» و «قاعده اساسی تمام طرح‌ها و برنامه‌ها و افکار عملی و زندگی ساز» در اسلام است (همان: ۱۹۷) تا به یکی از فوری‌ترین ضرورت‌های تفکر مذهبی یعنی «طرح اسلام به صورت مسلکی اجتماعی و دارای اصولی منسجم و یک آهنگ و ناظر به زندگی جمعی انسان‌ها» (همان: ۳۳) دست پیدا کند. بنابراین مباحث اعتقادی و جهان بینی اسلامی را از منظر اجتماعی و زندگی سازی می‌توان طرح و تبیین کرد. ایشان می‌کوشد در خلال بازخوانی اجتماعی معارف اسلامی، به خصوص مفهوم متعالی و سازنده «توحید» آگاهی لازم برای شکل دهی به کنش اجتماعی و بنای زندگی اجتماعی را فراهم آورد. به نظر ایشان جهان بینی اسلام غیر آن که یک بینش فلسفی است، یک شناخت عمل‌زا و زندگی ساز است، یعنی عقیده‌ای که بنای زندگی اجتماعی و فردی انسان‌ها باید بر پایه آن نهاده شود (همان: ۲۳۹). به نظر ایشان منطق عمیق اسلام را نمی‌توان به چنگ آورد مگر این‌که از منظر واقعیت اجتماعی و حیات انسان به آن مفاهیم و حقایث نگریسته شود و پاسخی را برای حل مسائل انسان از منابع دینی استنباط کرد.

ایشان مفهوم توحید را مهم‌ترین مفهوم اسلامی و زیربنای همه معارف دینی و اساس طرح کلی اسلام می‌داند و تحریف آن را بزرگ‌ترین جنایت تاریخ بشریت بر می‌شمارد. از این رو بزرگ‌ترین وظیفه اندیشه‌وران بازخوانی دوباره توحید با بهره‌گیری از قرآن و حدیث و تاریخ حرکت انبیا و به خصوص حرکت نبی مکرم اسلام ﷺ است.

در تحلیل دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای می‌توان گفت که این طرح از معیارهای ۱. استناد به قرآن کریم و حکمت اسلامی، ۲. جامعیت و توجه به شئون مختلف هستی و حیات انسان، ۳. کارآمدی در توصیف و تبیین حقایق هستی‌شناسی و حیات انسانی برخوردار بوده است و می‌توان آن را طرحی کارآمد برای معرفی جامع اسلام و حرکت ملت‌های مسلمان در مسیر تحقق

تمدن نوین انقلاب اسلامی تلقی کرد و به تبیین و گفتمان سازی آن پرداخت.

منابع

۱. بیانات آیت الله خامنه‌ای در دیدار اعضای هیأت دولت ۱۳۸۴/۷/۱۷.
۲. بیانات آیت الله خامنه‌ای در ۱۳۸۱/۴/۴؛
۳. بیانات آیت الله خامنه‌ای در تفسیر سوره ملک (آیات ۱ و ۲) ۱۳۶۳/۸/۱۸.
۴. بیانات آیت الله خامنه‌ای در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه ۱۳۷۹/۷/۱۴.
۵. بیانات آیت الله خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۱/۱۲/۷.
۶. بیانات آیت الله خامنه‌ای در درس خارج ۱۳۷۴/۶/۱۴.
۷. بیانات آیت الله خامنه‌ای در دیدار اعضای پژوهشگاه شهید صدر، ۱۳۹۵/۵/۲۵.
۸. بیانات آیت الله خامنه‌ای در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۷۲/۴/۲۳.
۹. بیانات آیت الله خامنه‌ای در دیدار جمعی از پاسداران ۱۳۷۶/۹/۱۳.
۱۰. بیانات آیت الله خامنه‌ای در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن ۱۳۹۶/۲/۷.
۱۱. بیانات آیت الله خامنه‌ای در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن ۱۳۹۶/۲/۷.
۱۲. بیانات آیت الله خامنه‌ای در دیدار مسئولان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ۱۳۸۴/۶/۲۸.
۱۳. بیانات آیت الله خامنه‌ای در دیدار مسئولان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ۱۳۸۴/۶/۲۸.
۱۴. بیانات آیت الله خامنه‌ای در روز اول شروع درس خارج فقه، ۱۳۷۲/۶/۲۱.
۱۵. بیانات آیت الله خامنه‌ای در سومین سال فوت علی شریعتی، در مسجد اعظم قم تیرماه ۱۳۵۹.
۱۶. بیانات آیت الله خامنه‌ای در محفل انس با قرآن کریم ۱۳۹۵/۳/۱۸.
۱۷. بیانات آیت الله خامنه‌ای نماز جمعه ۱۳۷۱/۱۲/۷.
۱۸. پیام آیت الله خامنه‌ای به گردهمایی توجیهی دبیران قرآن اول دبیرستان ۱۳۶۸/۷/۲۰.
۱۹. پیام آیت الله خامنه‌ای به مناسبت تأسیس مؤسسه فرهنگی دارالحدیث در شهرستان قم ۱۳۷۴/۸/۲۲.
۲۰. خامنه‌ای، سیدعلی، روح توحید نفی عبودیت غیر خدا، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۲۱. خامنه‌ای، سیدعلی، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، قم، صهبا، ۱۳۹۵.

